

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۸/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۷

رفتارشناسی و سناریوی نظامی آمریکا و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران

محسن مرادیان^۱

داود رضانی تکلیمی^۲

چکیده

به منظور شناسایی رفتارهای آمریکا در قبال ج.ا.ایران و یافتن راهکارهای منطقی مقابله‌ای برای تصمیم‌سازان کشور، این تحقیق «کاربردی» به روش موردی - زمینه‌ای و با هدف پیش‌بینی و تحلیل رفتارهای نظامی و راهکنشی آمریکا به عنوان دشمن اصلی ج.ا.ایران و اتخاذ تصمیم‌های مناسب برای مقابله با آنها (به عنوان هدف اصلی) و نیز تبیین رفتارهای نظامی آمریکا و سناریوهای احتمالی تهدیدهای آمریکا و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران و شناسایی منافع آمریکایی‌ها از دیدگاه خود آن‌ها و تعیین جایگاه ج.ا.ایران در راهبرد امنیت ملی آمریکا انجام شده است. به این منظور تلاش شد که به این سوالات پاسخ داده شود که سناریوی نظامی آمریکا در قبال ج.ا.ایران مبتنی بر چیست و چه تأثیری بر امنیت ملی ج.ا.ایران داشته است؟ در پاسخ به سوال تحقیق، این فرضیه‌ها در نظر گرفته شد که سناریوی نظامی آمریکا در قبال ج.ا.ایران مبتنی بر «فشار از بیرون و استحاله از درون» بوده و سناریوی نظامی آمریکا در قبال ج.ا.ایران، موجب کاهش امنیت ملی ج.ا.ایران می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رفتارشناسی، سناریوی نظامی، امنیت ملی ج.ا.ایران، منافع حیاتی، محیط داخلی و محیط بین‌الملل.

۱. استادیار امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی mohsenmoradian@hotmail.com

۲. دانشجوی کارشناس ارشد اطلاعات دانشکده علوم و فنون فارابی (نویسنده مسئول) Draclimi@yahoo.com

مقدمه

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، دشمنی آمریکا با نظام ج.ا.ایران، موجب افزایش اقدامات خصمانه و بدون وقفه آن کشور علیه ج.ا.ایران شده و به انحای مختلف سعی در براندازی نظام یا حداقل ایجاد تغییر رفتار (عدول از مواضع اصولی) داشته‌اند؛ وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرصت لازم را در اختیار آمریکا برای تشدید فشار بر کشورهای معارض از جمله ج.ا.ایران قرار داد تا با بهره‌گیری از این فرصت، مشکلات دیرینه خود را با ایران به نفع خود حل و فصل نماید. البته نباید فراموش کرد که محور اقدامات واشنگتن در این راستا، در جهت منافع ملی آن کشور قرار داشته و بر مبنای آن سیاست‌گذاری و برای اجرای آن اقدام نموده است. درک این مهم که در صورت ایجاد چه شرایطی آمریکا دست به اقدام نظامی علیه ج.ا.ا. خواهد زد، بسیار حائز اهمیت است و نویسندگان در این تحقیق تلاش دارند تا با برشمردن زمینه‌های بروز و تشدید تهدید آمریکا علیه ایران، پیش‌بینی‌های لازم را درباره اقدامات احتمالی آمریکا به عمل آورند.

بیان مسئله

آمریکا پیوسته ج.ا.ایران را بر سر مسئله دستیابی به فناوری هسته‌ای تحت فشار گذاشته و روزبه‌روز، بر این فشار افزوده است؛ به طوری که سازمان ملل متحد و کشورهای هم‌پیمان و متحد خویش را به نحوی، درگیر بحران هسته‌ای ایران نموده است. البته بر هیچ‌کدام از مقام‌های عالی‌رتبه سیاسی و نظامی آمریکا روشن نیست که در صورت درگیری نظامی با ج.ا.ایران، آیا قادر خواهند بود به موفقیتی دست یابند و آیا منافع از پیش تعیین شده آمریکا که در هنگام آغاز حمله احتمالی علیه ج.ا.ایران مورد تهدید واقع شده، تأمین خواهند شد؟ با این همه، تصور می‌شود در مقطعی که چاره‌ای جز اقدام نظامی علیه ج.ا.ایران نباشد و شرایط منطقه‌ای و داخلی ج.ا.ایران آمادگی آن را داشته باشد و منافع آمریکا به طور مستقیم با حمله نظامی به ج.ا.ایران تأمین شود، این احتمال عملی گردد. از این رو در این تحقیق، دغدغه نویسندگان این است که آمریکا چه رفتاری را در قبال سیاست‌های مختلف ج.ا.ا. اتخاذ خواهد نمود؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

این تحقیق از آنجا ضرورت می‌یابد که با بررسی رفتارهای پیشین و حال آمریکا در منطقه و سطح بین‌الملل، می‌توان اقداماتی را که آن کشور ممکن است در راستای تأمین منافع ملی،

منطقه‌ای و جهانی خود در قبال ج.ا.ایران به انجام رساند را پیش‌بینی نمود. در واقع با شناسایی منافع آمریکا در منطقه، رفتارهای این کشور که در راستای تأمین منافع ملی آن ارزیابی می‌گردد، شناسایی شده و این توانایی برای نیروهای مسلح به‌ویژه در سطوح راهبردی و عملیاتی ایجاد خواهد شد تا ضمن بررسی و تقویت راه‌کارهای مقابله با آمریکا به عنوان دشمن اصلی کشور، رهنمود عملیاتی لازم را برای اتخاذ تصمیمات هرچه بهتر در اختیار تصمیم‌سازان کشور قرار دهند تا اقدامات پدافندی لازم را پیش‌بینی نمایند.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این مقاله پیش‌بینی و تحلیل رفتارهای نظامی و راه‌کنشی (تاکتیکی) آمریکا به عنوان دشمن اصلی ج.ا.ایران و اتخاذ تصمیمات مناسب برای مقابله با آنهاست که می‌توان به اهداف فرعی تبیین رفتارهای نظامی آمریکا و سناریوهای احتمالی تهدیدهای آمریکا و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران و شناسایی منافع آمریکایی‌ها از دیدگاه خود آنها و تعیین جایگاه ج.ا.ایران در راهبرد امنیت ملی آمریکا اشاره نمود.

سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی که نویسندگان در تلاش‌اند پاسخگوی آن باشند این است که سناریوی نظامی آمریکا در قبال ج.ا.ایران مبتنی بر چیست؟ و در این راستا، سؤال‌های فرعی سناریوی نظامی آمریکا چه تأثیری بر امنیت ملی ج.ا.ایران داشته است؟ و تعارض بین ج.ا.ایران و آمریکا در چه سطحی بوده است؟ را می‌توان مطرح نمود.

فرضیه‌های تحقیق

متناظر با سؤال اصلی و سؤالات فرعی مطرح‌شده، فرضیاتی نیز مطرح گردید که به ترتیب عبارتند از:

فرضیه اصلی:

❖ سناریوی نظامی آمریکا در قبال ج.ا.ایران مبتنی بر «فشار از بیرون و استحاله از درون» است.

فرضیه‌های فرعی:

- ❖ سناریوی نظامی آمریکا در قبال ج.ا.ایران، موجب کاهش امنیت ملی ج.ا.ایران می‌شود.
- ❖ تعارض بین ج.ا.ایران و آمریکا در سطوح راهبردی، بین‌المللی و منطقه‌ای است.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع «کاربردی» و به روش موردی - زمینه‌ای انجام شده است. اطلاعات مورد نیاز از دو شیوه «کتابخانه‌ای» و «میدانی» گردآوری گردید که در شیوه میدانی، از ابزارهای پرسشنامه و مصاحبه با صاحب‌نظران استفاده شد.

روش‌های مورد استفاده در تحلیل اطلاعات و داده‌های این تحقیق، کیفی (استدلالی) و کمی (آمار توصیفی) بوده است. در واقع، نویسندگان بعد از گردآوری و تلخیص داده‌ها، به منظور توصیف شرایط موجود با استفاده از پارامترهای مرکزیت و پراکندگی (میانگین و انحراف معیار) و استفاده از جداول و نمودارهای آماری، به توصیف کمی داده‌ها اقدام نموده‌اند.

به لحاظ اهمیت و چندبعدی بودن موضوع این تحقیق، جامعه آماری از میان نخبگان و کارشناسان مطلع و خبیره وزارت خارجه، استادان دانشگاه‌ها و پژوهشگران مطلع، معاونت‌های اطلاعات خارجی نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات که دارای شرایط ویژه‌ای نظیر: تخصص در حوزه آمریکا با سابقه بالای ۵ سال، سابقه فعالیت بالای ۱۰ سال، دارای مدرک کارشناسی ارشد و دارای تألیفات و ترجمه مرتبط با موضوع باشند، انتخاب و اختیار گردید. در مجموع با مشاوره با استادان راهنما و مشاور، تعداد جامعه آماری ۱۴۰ نفر تعیین شد و با استفاده از فرمول کوکران و به روش «هدفمند غیر نسبی در دسترس»، برای جوامع محدود، تعداد نمونه ۷۲ نفر محاسبه گردید و با استفاده از مدارک و شواهد فیزیکی، استفاده از اسناد و اوراق معتبر، مصاحبه با صاحب‌نظران و توزیع پرسش‌نامه بین جامعه نمونه، به جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها پرداخته شد.

ادبیات تحقیق

پرونده دولت آمریکا در روابط با کشور و ملت ایران در طول نیم قرن گذشته، مملو از فراز و نشیب بوده است. آنچه در این پرونده بیش از همه خودنمایی می‌کند، مداخلات غیر مسئولانه و خصمانه دولت‌های مختلف حاکم بر کاخ سفید در زندگی ایران و ایرانیان است. برخی مداخلات سیاسی آمریکا مانند کودتای ۲۸ مرداد، سرنوشت تاریخی ملت ایران را تغییر داد. بر این اساس هنگامی که ملت ایران، مشق آزادی، مردم‌سالاری و استقلال می‌نوشتند و به شدت به ثبات و آرامش نیاز داشتند و توانسته بودند با تحمل مشقات، اندکی از فشار استبداد بکاهند و دولتی برخاسته از ملت بر سر کار آورند، آمریکا به شیوه‌ای خصمانه،

چکمه‌های خود را بر سینه ایرانیان گذاشت، آنان را به جان هم انداخت و در نهایت با کودتای ۲۸ مرداد علیه دولت مصدق، امید آنان را به ناامیدی تبدیل کرد و در طول بیش از دو دهه به شیوه‌ای غیر مسئولانه از هر آن‌چه استبداد شاهنشاهی انجام داد، کورکورانه حمایت نمود.

حمایت از کودتاهای مختلف در چند سال اول پیروزی انقلاب، از دیگر مداخلات آمریکایی‌ها در امور داخلی یک کشور و حکومت مستقل نوپا بود. کاخ سفیدنشینان می‌خواستند واقعه ۲۸ مرداد را تکرار کنند و بار دیگر، ملت و کشور ایران را با یک عقب‌گرد فاحش تاریخی مواجه سازند؛ اما کودتای نقاب که سرآمد کودتاهای آمریکایی بود، شکست خورد و سرانجام پرونده کودتای سرخ در ایران بسته شد (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۱۶).

مجموعه دیگری از مداخلات آمریکا به رفتار آن کشور در جنگ عراق علیه ایران بازمی‌گردد. در هنگامه جنگ و در حالی که ایران از همه سو در فشار قرار داشت و چیزی نمانده بود که دولت بعثی عراق را به زیر کشد، آمریکا به کمک عراقی‌ها شتافت، سکوهای نفتی ایران را مورد حمله قرار داد و در نهایت برای تکمیل فشارهای خود، هواپیمای مسافربری ایران را در سال ۱۳۶۷ توسط ناو هواپیمابر خود در خلیج فارس هدف قرار داد.

ایران و افق آینده دفاعی - نظامی آمریکا

تفکیک بازنمایی رفتاری و عملی (سیاست اعمالی) و انعکاس بیانی (سیاست اعلامی) دولت‌ها، پیش‌شرط دشمن‌شناسی است. از این‌رو، محتوای گزارش‌های علنی و عمومی انتشار یافته از سوی آمریکا را نمی‌توان انعکاس اراده واقعی آن دولت در صحنه بین‌المللی آن هم در امور راهبردی دانست. با در نظر گرفتن ادبیات راهبردی آمریکا مبنی بر ثبات راهبردی میان قدرت‌های بزرگ و غالب بودن زمینه‌های ناهمگون‌سازی نبرد علیه این کشور به عنوان یکی از نکات محوری جنگ آینده، گزارش مرور وضعیت دفاعی، توجه ویژه‌ای را به نگرانی‌های کنونی و آینده دفاعی و امنیتی آمریکا و متحدین آن مبذول داشته است.^۱

خلاف راهبرد امنیت ملی که اشاره صریحی به نام ایران نکرده، در گزارش مرور وضعیت دفاعی، کشور ایران در زمره تهدیدهای دفاعی آمریکا تلقی شده است. در این گزارش، پنج‌بار به

۱. البته تکثیر زمینه‌های ایجاد تعارض با آمریکا در میان دولت‌ها و بازیگران غیردولتی، در قالب رهیافت هژمونیک قابل تحلیل علمی است. یعنی تهدیدهای ایران و سایر کشورها علیه آمریکا نتیجه پیروی این کشور از رهیافت قدرت هژمونیک در محیط بین‌الملل است.

ایران اشاره شده است که سه مورد به فعالیت‌های موشکی، یک مورد به برنامه هسته‌ای و یک مورد نیز به اهمیت محیط ژئوپلیتیک ایران مربوط می‌شود (ص ۱۰۵ گزارش).

در این باره، اشاره به چند نکته بنیادین ضروری است:

- تحول در ادبیات راهبردی آمریکا در قبال ایران و جهان؛
- پرهیز از رویارویی نظامی علیه ایران؛
- حساسیت توانمندی موشکی ایران برای غرب؛
- امنیت منطقه‌ای و خروج مسئولانه از عراق.

تحول در ادبیات راهبردی آمریکا در قبال ایران و جهان

درباره تحولاتی که در ادبیات راهبردی آمریکا در قبال کشورمان و نظم جهانی صورت گرفته است، می‌توان به انصراف از پیش‌دستی در دفاع و انصراف از ادامه کاربرد رهیافت‌های دیپلماسی تقابلی به ویژه تجدید نظر در به‌کارگیری اصطلاح دولت‌های شرور اشاره کرد (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۵۵).

اوباما با شعار «تغییر»، در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پیروز شد و تلاش نمود تا این تغییر را در سیاست‌های اعلامی آمریکا به اثبات برساند. دفاع پیش‌دستانه ابداعی جرج بوش در راهبرد امنیت ملی ۲۰۰۳ و پس از آن، از عوامل عمده به چالش کشیده شدن آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ بوده است. مغایرت این سیاست با موازین بین‌المللی که آمریکا خود را از پایه‌گذاران و حامیان آن می‌داند و همچنین هراس افکار عمومی جهانی از این‌که آمریکا جنگ علیه همه جهان را به بهانه مبارزه با تروریسم در سر دارد، اوباما را به حذف این مفهوم در بررسی دفاعی ۲۰۱۰ واداشت (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۶۲).

از طرف دیگر، در گزارش اخیر، نخست به جای دولت‌های ورشکسته از اصطلاح دولت‌های «ضعیف» استفاده شده است^۱ و لحن آن درباره ایران و دولت‌هایی که پیشتر «شرور» یا حامی تروریسم! اطلاق شده بودند، از نظر ظاهری تغییر یافته است: اصطلاح دولت شرور، در گزارش اخیر حذف شده و این تغییر، نتیجه توجه ویژه دولت آمریکا به دیپلماسی عمومی به نظر می‌رسد (ساعد، ۱۳۸۹: ۳۹).

۱. در برخی متون آمریکایی، در مورد مخالفان آمریکا از اصطلاح «کشورهای کوچک» استفاده شده تا ضمن تحقیر، ناچیز بودن وزنه نظامی آنها در برابر قدرت نظامی آمریکا برجسته‌تر شود.

ایران، چالش منطقه‌ای آمریکا

در حال حاضر، آمریکا علاوه بر موضوع تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی در منطقه غرب آسیا، علاوه بر مواجهه با دو مناقشه فلسطین - رژیم صهیونیستی و عراق، با چالش اصلی دیگری به نام ج.ا.ایران مواجه است.

با توجه به تحولات منطقه‌ای و افزایش نقش و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه، به نظر می‌رسد صفتبندی جدیدی در منطقه درباره نوع نگاه به رژیم صهیونیستی با شرکت کشورهای عربی در نشست آنابولیس به وجود آمده باشد. برخی ناظران معتقدند که از اساس کنفرانس آنابولیس به منظور ایجاد اتحاد میان کشورهای سنی عرب علیه ج.ا.ایران شکل گرفت و هدف آن مهار قدرت‌یابی ایران در منطقه بود. در این چارچوب، یکی از اولویت‌های آمریکا، جدا کردن سوریه از ایران است. همچنین قرارداد ۲۰ و ۱۳ میلیارد دلاری فروش تسلیحات آمریکا به عربستان و مصر و نیز قرارداد فروش تسلیحات به میزان ۳۰ میلیارد دلار طی ده سال آینده به رژیم غاصب صهیونیستی، در راستای تحرکات و سیاست‌های جدید آمریکا در غرب آسیا ارزیابی می‌گردد (واعظی، ۱۳۸۸: ۲۹).

پرهیز از رویارویی نظامی با ایران

محورهای کلی گزارش، مرور وضعیت دفاعی در پی بازسازی ساختارها و اولویت‌های دفاعی آمریکا است و به علت دشمنی این کشور با نظام اسلامی ایران، بی‌شک مسئله کشور ایران در ملاحظه‌های تعیین‌کننده این اولویت‌ها تأثیرگذار بوده است. در این میان، به نظر می‌رسد محتوای کلی گزارش و آنچه به عنوان سیاست اعلامی آمریکا، در گزارش آمده است، (فارغ از موارد اعمال فشار بر توانمندی‌های دفاعی و تضعیف بازدارندگی موشکی)، بر ایجاد مبانی تهدید امنیت ملی کشور ایران از طریق اقدام نظامی تکیه ندارد. رویکرد این گزارش به گونه‌ای هم‌سو با برخی گزارش‌ها و توصیه‌های دولت اوپاما برای پرهیز از وارد شدن به نبرد نظامی (و نه سیاسی) و در آخرین صفحه پیوست آن که ناظر بر نتیجه‌گیری و توصیه‌های رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا و اظهار نظر وی درباره متن گزارش وزارت دفاع است، تصریح نموده که به علت موقعیت منطقه‌ای ایران، باید از درگیری مسلحانه و اقدام نظامی پرهیز شود (جام جم، ۱۳۹۰: ۲). با این حال، در این گزارش بیشترین تلاش برای تهدیدنمایی منطقه‌ای توان موشکی ایران و همچنین برخی راه‌کنش‌های دفاع ناهمگون در دریا، به عمل آمده است.

ج.۱. ایران در سند دفاع موشکی

قدرت‌های منطقه‌ای از نگاه آمریکا، کشورهای هستند که از نظر سطح قدرت ملی و تأثیرگذاری این قدرت در تولید نفوذ در محیط بین‌المللی محدود، می‌توانند منطقه پیرامونی خود را مدیریت نمایند و بازیگران این محیط را به همراه‌سازی با خود ملزم سازند. در این راستا، سند حاضر، کشور ایران را در کنار کره شمالی و با تکیه بر تجهیز به سخت‌افزاری و دانش موشکی بالستیک، دارای ویژگی‌ها و شاخص‌های «قدرت منطقه‌ای» به رسمیت شناخته است.

این سند «ایران و کره شمالی» را بر مبنای داشتن توان موشکی بالستیک دوربرد، عامل تهدید امنیت ملی آمریکا تلقی نموده است و در این راستا، محیط هدف‌گیری این موشک‌ها، نیروهای آمریکایی در کشورهای دیگر و همچنین متحدین و شرکای این کشور عنوان شده است. در این باره به احتمال حمله موشکی ایران به رژیم صهیونیستی و تهدید منافع آمریکا در کل منطقه غرب آسیا و اروپای شرقی تأکید شده است.

مبانی تهدیدنمایی توان موشکی ایران در رویکرد آمریکا

بررسی نگاه آمریکا به توان موشکی کشور ایران در سطوح مختلف تحلیل می‌گنجد. به نظر می‌رسد لازمه درک کاربردی آن، تحلیل در سطح راهبردی است. در واقع، آمریکایی‌ها توان موشکی ایران را نه فقط به عنوان مسئله‌ای اصلی، بلکه تنها به عنوان مجرای تأثیرگذاری بر قدرت ملی ایران و توقف رشد و زاینده‌گی این قدرت در منطقه، در دستور کار داشته و دارند. در این باره موارد زیر را باید مدنظر قرار داد:

۱. موشک‌های بالستیک و تولید قدرت راهبردی
۲. پیوند زدن توان موشکی بالستیک با سلاح‌های هسته‌ای
۳. القای کاربردی قدرت موشکی ایران علیه روسیه، اروپا و آمریکا

جدول شماره ۱ - محورهای تلقی آمریکا از تهدیدزایی توان موشکی ایران

القای کاربری قدرت موشکی ایران علیه روسیه، اروپا و آمریکا

مسئله مهم، برجسته کردن احتمال استفاده ایران از توان موشکی بالستیک خود علیه دیگر کشورهاست؛ کشورهایی که به خواست ایران در منطقه تن ندهند یا تهدیدی برای ایران در داخل یا خارج از قلمرو آن ایجاد نمایند. در این باره، هرچند به اروپا، قلمرو آمریکا یا متحدانش در منطقه اشاره می‌شود؛ ولی در برخی موارد، روسیه نیز به آن اضافه می‌شود؛ ضمن این که گاه نفس حمله موشکی مطرح می‌شود و گاه برای بزرگ‌نمایی تأثیر این القائات در افکار عمومی، تجهیز آن به کلاهک هسته‌ای مطرح گردد، تا هم تصویری نافذتر از شدت اثر حمله ایجاد شود و هم کاربری موشک‌ها به عنوان بازدارندگی راهبردی موضوعیت پیدا کند. برای نمونه، گزارش ارزیابی مؤسسه شرق - غرب از توان موشکی ایران اشعار می‌دارد که «در صورتی که ایران در درازمدت به سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های دوربرد دست یابد، می‌تواند روسیه، اروپا و آمریکا را تهدید هسته‌ای کند.» (بی‌بی‌سی، ۱۳۸۸).

تهدیدهای ناشی از هژمونیک‌گرایی آمریکا

تاکنون تهدیدهای ناشی از هژمونیک‌گرایی آمریکا در طیف متنوعی انجام پذیرفته است. این امر زمینه را برای جدال‌های بیشتر آمریکا علیه ایران به وجود آورد. به هر اندازه آمریکایی‌ها از قدرت هژمونیک بیشتری برخوردار باشند، به همان میزان، مداخله‌گری آنان علیه کشورهای غرب آسیا از جمله ایران افزایش بیشتری می‌یابد. این امر را می‌توان به عنوان نمادی از تهدید برای ایران دانست (همان: ۵۱). چنین اقداماتی همان‌گونه که قدرت آمریکا را کاهش می‌دهد، در صورت بهره‌برداری از فرصت‌ها می‌تواند منجر به افزایش قدرت ایران گردد. از این رو، شناخت تهدیدهای آمریکا برای تنظیم سیاست خارجی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا زمانی که تهدیدها شناسایی شوند، زمینه برای کنترل تهدیدها به وجود خواهد آمد.

راهبرد تعامل سازنده در سیاست خارجی ایران را می‌توان به عنوان بستری برای شناخت تهدیدات و استفاده بهینه از فرصت‌ها دانست. وظیفه ساختارهای دیپلماتیک، نظامی و سایر نهادهای کشور را می‌توان در راستای امنیت ملی، شناخت تهدیدها و فرصت‌ها دانست. زمان می‌تواند تهدیدها را کاهش دهد و زمینه‌های شناخت تهدیدها فراهم شود. در این روند هژمونیک‌گرایی، تهدیدهای خاصی برای ج.ا.ایران ایجاد می‌کند که می‌توان به تهدیدهای زیر اشاره داشت:

مداخله نظامی

با انتشار راهبرد جدید اولویت‌های دفاعی قرن بیست و یکم مشخص شد که آمریکا راهبرد خود را برای ورود در صحنه یک جنگ و آمادگی بالقوه برای جنگی دیگر استوار ساخته است. در حال حاضر، نقش بازدارندگی راهبردی در رهنامه نظامی آمریکا کاهش یافته است. شواهد سال‌های گذشته، بیان‌کننده آن است که آمریکا نقطه اصلی تحرک عملیاتی خود را در کشورهای پیرامونی سازماندهی کرده بود. این امر اگرچه در گام اول منجر به مطلوبیت‌های نظامی برای آمریکا گردید؛ اما در مراحل و مقاطع بعدی شاهد شرایطی بود که زمینه‌های بن‌بست در راهبرد نظامی آمریکا را فراهم آورد.

بحران‌سازی محیط منطقه‌ای

حضور نیروهای نظامی آمریکا در شرایطی تداوم خواهد یافت که آمریکایی‌ها توجیه لازم را برای اقدامات و عملیات نظامی داشته باشند. اگر محیط پیرامونی ایران در دوران اشغال نظامی از ثبات لازم برخوردار باشد، طبیعی است که نقش آمریکا در محیط منطقه‌ای ایران افزایش یابد. در شرایط بحرانی، کشورها گرایش بیشتری به انجام اقدامات گریز از مرکز دارند. از این‌رو، تداوم بحران در عراق و افغانستان می‌توانست برای آمریکایی‌ها منجر به ظهور ضرورت‌های تعامل در روابط ایران و آمریکا شود (ماهنامه اطلاعات راهبردی، ۱۳۹۰: ۶۸). بحران‌های منطقه‌ای به عنوان پاشنه آشیل آمریکا در سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. به هر میزان بحران‌های منطقه‌ای افزایش یابد، زمینه برای کاهش تحرک راهبردی آمریکا در سطح بین‌الملل به وجود می‌آید. در نتیجه آمریکایی‌ها تلاش خواهند کرد تا زمینه مدیریت بحران را فراهم آورند.

افزایش مداخله در امور داخلی ایران

بسیاری از مواضع راهبردشناسان آمریکایی، در مقابله با رفتارهای دیپلماتیک، سیاست دفاعی و الگوهای امنیتی ایران است. آنان از سال ۱۳۸۱ به بعد، سیاست‌های گسترش مداخله در امور داخلی ایران را در دستور کار خود قرار دادند. هدف آنان از چنین سیاست‌هایی را باید محدودسازی ساختار حکومتی از طریق فعال‌سازی نهادهای بین‌الملل دانست.

مداخلات آمریکا در امور داخلی ایران به طور عمده از طریق فعال‌سازی مخالفان (اپوزیسیون) و تشدید اختلافات جناح‌های سیاسی انجام می‌پذیرد. آنان بخشی از بودجه آمریکا را به حمایت از مخالفان اختصاص داده‌اند. در حال حاضر، وزارت امور خارجه و سازمان

جاسوسی آمریکا تلاش‌هایی را برای ارتباط مؤثر با مخالفان انجام می‌دهند که به نظر می‌رسد در آینده نزدیک، مخالفان نقش مؤثری در محدودسازی روابط ایران و آمریکا ایفا کنند (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۳۵).

فشارهای سازمان‌یافته از طریق نهادهای بین‌المللی

علاوه بر الگوهای مداخله مستقیم، آمریکایی‌ها از طریق نهادهای بین‌المللی نیز فشارهایی را علیه ساختار قدرت در ایران اعمال می‌کنند. آنان از رژیم‌های بین‌المللی به عنوان ابزار حقوقی و سازمانی برای محدودسازی ایران استفاده می‌کنند. هم‌اکنون روند محدودسازی ایران توسط نهادهای بین‌المللی و بر اساس مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده رژیم‌های بین‌المللی وجود دارد. این روند به عنوان بین‌المللی‌سازی تهدیدهای علیه ایران است. بین‌المللی‌سازی تهدیدها را می‌توان به عنوان اقدامی در جهت تکثیر تهدیدهای بین‌المللی علیه ایران دانست (فلاحی، ۱۳۸۶: ۷۵).

عملیات انتقامی

رویکرد برخی راهبردهانشناسان آمریکایی بر انجام عملیات انتقامی علیه ایران قرار گرفته است. آنان بر این اعتقادند که ایران از قابلیت تهدیدزدایی برخوردار است. پس باید توانمندی‌های راهبردی ایران را نابود نمود. این امر از طریق عملیات پیش‌دستانه پیشنهاد شده است (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۲۳۶).

عملیات انتقامی بیشتر از سوی گروه‌های نومحافظه‌کار پیشنهاد شده است که از یک سو اعتقاد دارند نباید علیه ایران وارد عملیات گسترده شد و از سوی دیگر، بر ضرورت مقابله نظامی با ایران تأکید دارند. چنین‌الگویی بیشتر از سوی گروه‌های اسرائیلی‌محور مورد تأکید قرار دارد (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۲۳۸).

محدودسازی راهبردی

آمریکا از سال ۱۳۷۲، الگوی محدودسازی ایران را در دستور کار خود قرار داد. در این دوران، سه رویکرد در مورد چگونگی برخورد آمریکا وجود داشته است: رویکرد اول بر تلاش برای بازگرداندن ایران به خانواده ملل مبتنی بوده است. این نگرش بیشتر تحت تأثیر اروپاییان قرار داشت.

رویکرد دوم، بر مقابله با ایران مبتنی بوده است. این رویکرد تحت تأثیر مجموعه‌های اسرائیلی‌محور قرار داشت. دولت کلینتون آمادگی لازم برای مقابله با ایران را نداشت. در نتیجه،

الگوی مقابله با ایران مورد پذیرش قرار نگرفت. این امر بیان‌کننده خلأ در رفتار راهبردی آمریکا در برخورد با ایران تلقی می‌شود.

رویکرد سوم، مبتنی بر مهار ایران بوده است. این رویکرد توسط مؤسسه مطالعات واشنگتن برای خاور نزدیک تنظیم گردید. هدف محدودسازی ایران را باید کاهش قابلیت‌های راهبردی ایران از طریق روندهای اقتصادی و اقدامات کم‌شدت دانست (خلیلی، ۱۳۸۱: ۱۹۰).

تهدیدهای ناشی از ظهور گروه‌های یک‌جانبه‌گرا در داخل آمریکا

یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، ناشی از شرایط ساختاری آن کشور در نظام بین‌الملل است. از آنجا که واقع‌گرایی و همچنین واقع‌گرایی جدید در تفکر سیاسی آمریکا جایگاه ویژه‌ای دارد، هرگونه اقدام آمریکا در نظام بین‌الملل، تابعی از «قدرت عملیاتی» و «جایگاه ساختاری» آن کشور تلقی می‌شود (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۲۳۰). در چنین شرایطی، دو سؤال مطرح می‌شود:

اول آن‌که، گسترش قدرت ملی آمریکا و ظهور شرایط سلسله‌مراتبی در نظام بین‌الملل چه تأثیری بر قابلیت‌های عملیاتی آمریکا بر جای می‌گذارد؟

دوم این‌که در صورت افزایش قدرت نظامی آمریکا، آن کشور چه اقداماتی را علیه ایران انجام خواهد داد؟ در این رابطه می‌توان تأکید داشت که اگرچه یک‌جانبه‌گرایی آمریکا می‌تواند منجر به افزایش تحرک عملیاتی آن کشور شود، اما در عین حال هزینه زیادی را بر این کشور تحمیل خواهد کرد که خود موجب فرسودگی و ناتوانی سریع‌تر آن خواهد شد. به هر میزان که تحرک راهبردی آمریکا در محیط بین‌الملل بیشتر شود، تهدیدهای فراروی ایران نیز از حجم و امکان‌پذیری فراگیرتری برخوردار خواهد شد. از این‌رو یک‌جانبه‌گرایی آمریکا می‌تواند تهدیدهای متنوع و پیش‌بینی‌ناپذیری را برای ایران به وجود آورد. این امر ناشی از آزادی عمل آمریکا در شرایط مبتنی بر هژمونیک‌گرایی یک‌جانبه‌گرا است و سیاست جمهوری اسلامی باید بر تقابل با این حرکت و این سیاست که می‌تواند منجر به استقرار نظام تک‌قطبی گردد، قرار گیرد (ابوالفتح، ۱۳۸۱: ۲۴۰).

با توجه به آنچه گفته شد، ضرورت تعامل سازنده ایجاب می‌کند که در برابر نوع تهدیدهای آمریکا و همچنین شرایط عمومی آمریکا در منطقه، برنامه‌ریزی مؤثری انجام پذیرد. این امر، موقعیت را برای انجام اقدامات مؤثر و عملیات پردامنه در برابر مداخله‌گرایی آمریکا فراهم می‌سازد.

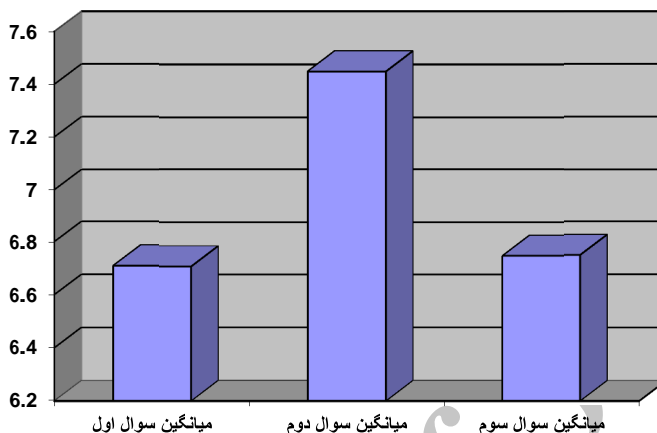
با توجه به قابلیت‌های نظامی آمریکا و با تأکید بر آن که یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در ارتباط با عراق استفاده شد و نتیجه مطلوب حاصل نگردید (کیسین و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۵۹)، احتمال بهره‌گیری از چنین الگویی در مقابله با سایر کشورها کمتر وجود دارد. اگرچه یک‌جانبه‌گرایی هم‌چنان به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی ایران محسوب می‌گردد، اما باید بر این امر تأکید داشت که می‌توان زمینه‌های تحقق چنین رویکردی را از طریق اقدامات بین‌المللی و ابتکارات دوجانبه کاهش داد؛ زیرا یک‌جانبه‌گرایی در ذات خود مغایر با همکاری است. به هر اندازه کشورها در شرایط همکاری قرار گیرند، امکان بهره‌گیری از الگوهای چندجانبه فراهم می‌شود. این امر در شرایط موازنه قوای بین‌المللی ظهور می‌یابد؛ در حالی که آمریکا در شرایط موجود در وضعیت تقابل قرار گرفته و تلاش دارد تا الگوهای رفتاری خود را بر اساس اقدامات نظامی و روندهای یک‌جانبه‌گرا تحقق بخشد (شولزینگر، ۱۳۷۹: ۴۶).

از آنجا که یک‌جانبه‌گرایی آمریکا می‌تواند تهدیدهای متفاوتی را برای امنیت ملی و جهت‌گیری سیاست خارجی ایران داشته باشد، شناخت اقدامات احتمالی آمریکا از ضرورت لازم برخوردار است.

روحیه نظامی و رفتار راهبردی آمریکا به گونه‌ای است که باید در برابر فشارهای آن کشور مقاومت نمود. انعطاف‌پذیری منجر به کناره‌گیری آمریکا نخواهد شد، بلکه سطح بیشتری از جدال‌ها را علیه امنیت ملی ایران به وجود می‌آورد. در چنین شرایطی باید تأکید داشت که ضرورت تعامل سازنده ایجاب می‌کند که رفتار سیاسی و راهبردی در برابر آمریکا باید مبتنی بر سیاست اعمال قدرت باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

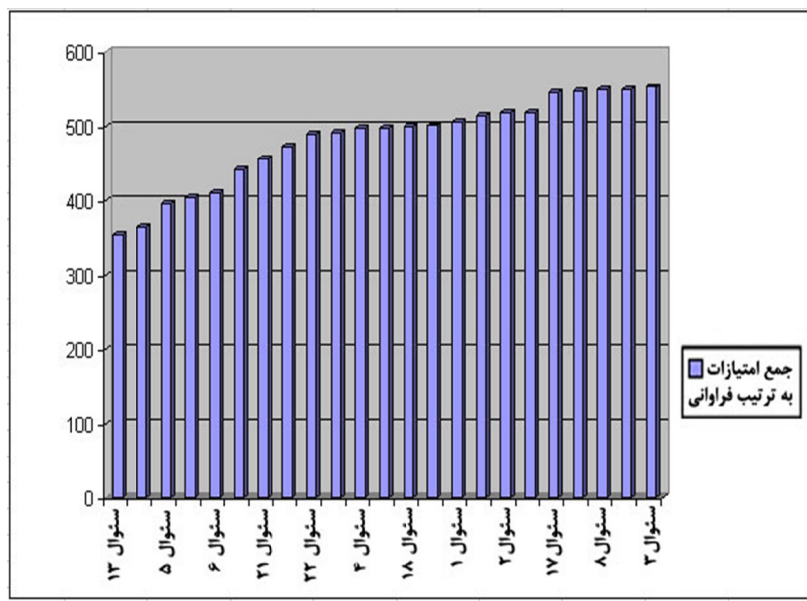
سؤال اصلی این تحقیق عبارت بود از این که «سناریوی نظامی آمریکا در قبال ج.ا.ایران مبتنی بر چیست و چه تأثیری بر امنیت ملی ج.ا.ایران دارد؟» به منظور دستیابی به پاسخ‌های مورد نیاز، تعداد ۱۵ سؤال (گویه) از درون سؤال اصلی استخراج گردید، که در نهایت با به دست آوردن میانگین هر کدام از گویه‌ها، میانگین میانگین‌ها به دست آمد که عدد $6/71$ است. با به دست آمدن این عدد و پس از انجام محاسبات آماری لازم، فرضیه اصلی تحقیق یعنی «سناریوی نظامی آمریکا در قبال ج.ا.ایران مبتنی بر فشار از بیرون و استحاله از درون است» تأیید گردید.



نمودار ۱ - میانگین میانگین‌ها

در بررسی گویه‌های مربوط به سؤالات فرعی، از نخستین سؤال فرعی نیز تعداد ۵ گویه تعریف و استخراج گردید که میانگین میانگین‌های این سؤال، $7/45$ محاسبه شد؛ بنابراین محاسبات نشان داد که فرضیه فرعی اول نیز تأیید شده و مؤید آن است که «سناریوی نظامی آمریکا در قبال ج.ا.ایران موجب کاهش امنیت ملی ج.ا.ایران می‌شود.»

در بررسی گویه‌های مربوط به دومین سؤال فرعی، تعداد ۳ گویه مشخص گردید و مورد آزمون قرار گرفت. نتیجه این آزمون نیز تأیید فرضیه دوم بود که معنای آن این است که «تعارض بین ج.ا.ایران و آمریکا در سطوح راهبردی، بین‌المللی و منطقه‌ای است.»



نمودار ۲ - امتیازات گویه‌ها به ترتیب فراوانی پاسخ‌ها

از میان گویه‌های تعریف‌شده، سؤال ۳ بیشترین امتیاز و سؤال ۱۳ کمترین امتیاز را به خود اختصاص داد. در تحلیل کمینه و بیشینه امتیازهای این تحقیق می‌توان این‌گونه بیان داشت که «آمریکا با هدف جلوگیری از گسترش روابط نظامی ج.ا.ایران با کشورهای همسایه و هم‌جوار (عدم برگزاری رزمایش‌های نظامی، عدم صدور مجوز برای پهلوگیری ناوهای ایرانی، عدم تمایل برای امضای توافقنامه‌های دفاعی، عدم تبادل هیئت‌های نظامی و...)، پروژه «ایران‌هراسی» را تقویت نموده است.» گویه ۳ به عنوان قوی‌ترین گویه، این معنا را متبادر می‌سازد که آمریکا بیشترین تلاش خود را بر تقویت پروژه ایران‌هراسی در منطقه متمرکز نموده است و در مرتبه بعد از آن، گویه ۸ به عنوان دومین گویه، بیان می‌دارد که «آمریکا برای کسب آمادگی تهاجم نظامی به ج.ا.ایران، فعالیت‌های اطلاعاتی و شناسایی خود را افزایش می‌دهد.»

اما امتیاز به دست آمده از گویه ۱۳ به عنوان کمترین امتیاز، این معنا را بیان می‌دارد که «آمریکا برای حفظ منافع حیاتی خود در قبال تهدیدهایی که از ناحیه ج.ا.ایران احساس می‌کند، با احتمال کمی دست به «عملیات پیش‌دستانه» خواهد زد»

نتیجه‌گیری

در بررسی و تحلیل گویه‌های مطرح‌شده و پاسخ‌های دریافتی، پرداختن به این موضوع اهمیت بسیاری دارد که در سنجش رفتار آمریکا و شناسایی رفتار آن کشور پیش از آغاز حمله به ج.ا.ایران، چه اقداماتی ممکن است در سطح منطقه و بین‌الملل حادث شود تا بتوان زمان آغاز تهدید نظامی از نوع سخت آمریکا علیه ج.ا.ایران را پیش‌بینی نمود.

در این رابطه، دو سؤال مطرح گردید. در سؤال اول این موضوع مورد پرسش قرار گرفت که «چه عواملی به عنوان رفتار از پیش‌سنجیده شده آمریکا برای آغاز تهدید یا شروع یک تهاجم نظامی علیه ج.ا.ایران قلمداد می‌گردد؟» با بررسی پاسخ‌های ارائه شده و همچنین گفتگو با صاحب‌نظران خبره، مواردی به شرح زیر منتج گردیده است:

تهاجم احتمالی آمریکا بر اساس دو الگوی قدرت هوشمندانه^۱ و قدرت هنرمندانه^۲ قابل بررسی است. نمادهای رفتاری آمریکا برای آغاز تهدید یا شروع یک تهاجم نظامی، می‌تواند شرط لازم برای شروع یک تهاجم محسوب گردد؛ لیکن به علل مختلف، این نمادها برای شروع حتمی یک درگیری کافی نیست و متغیرهایی که در کافی بودن یک تهاجم شایان بررسی هستند، عبارتند از:

(الف) سطوح و ثقل کشور مورد تهاجم از نظر:

- وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک؛
- وضعیت اقتصادی (ژئواکونومیک)؛
- وضعیت فرهنگی؛
- وضعیت دفاعی و نظامی؛
- دیپلماسی سیاسی و توان چانه‌زنی؛

1. Smart power
2. Artistic power

• عوامل برترساز دیگر (نقش ایدئولوژی در میل به جنگجویی نیروهای مسلح و انگیزه، روحیه و ایمان)

(ب) کارآمدی کشور مورد تهاجم در تنیدن مؤلفه‌های یاد شده بالا و ارائه رفتاری پیچیده و غیرقابل اندازه‌گیری برای مهاجم و عدم محاسبه هم‌افزایی و هم‌پوشانی مؤلفه‌های پیش‌گفته در بازی جنگ شبیه‌سازی شده.

تنگناهای راهبردی مشهود در آمریکا، کاهش بودجه نظامی، عدم امکان برآورد زمان خاتمه جنگ احتمالی، التهاب در دستگاه سیاسی و نظامی آمریکا، به ویژه در دهه اخیر.

با عنایت به موارد فوق به نظر می‌رسد شروط لازم به عنوان موارد عمومی تا زمانی که با شروط کافی (که در مورد ج.ا.ا. برای مهاجم قابل محاسبه نبوده) همراه نگردد، نتیجه عاقلانه‌ای را برای مهاجم ارائه نخواهد نمود و به رخ کشیدن رفتارهای اولیه تهاجم، فقط برای تظاهر به آغاز تهاجم علیه ج.ا.ایران ارزیابی می‌گردد و فاقد ثقل لازم برای انجام یک حمله، حداقل در بازه زمانی چند سال آینده است.

با این حال در برابر راهبردهای پیچیده و در عین حال بنیان برافکن آمریکا برای ج.ا.ایران و برنامه‌ریزی مبتنی بر بودجه و زمان مشخص، به نظر می‌رسد که نظام سیاسی ایران باید برای حفظ هژمونی و بقای جایگاه والای خود و رسیدن به دوره توسعه پایدار، دارای راه‌کارهای متعدد، متفاوت از لحاظ مدت و همچنین برنامه‌ریزی اقتضایی باشد که در به چند مورد مهم اشاره می‌گردد:

الف - برنامه‌ریزی برای ادامه مذاکرات فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ج.ا.ایران

ب - تکیه بر روابط عمومی و فعال‌تر کردن دیپلماسی عمومی کشور

ج - منطقه‌گرایی

د - نگاه آسیایی

ه - همکاری بیشتر با سازمان همکاری شانگهای

و - توجه دوباره به دریای خزر

ز - اقدامات حقوقی

ح - پرهیز از اختلاف و تقویت بنیه اقتصادی

خ - تقویت بنیه نظامی

اما چنانچه شرایط به گونه‌ای ترسیم شود که با وجود تمام اقدامات انجام گرفته، آمریکا تصمیم به تهاجم به ج.ا.ایران را داشته باشد، راه کارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. توجه بیشتر به پدافند غیرعامل؛
۲. مردمی کردن نبرد حتی فراتر از بسیج (توسعه فعالیت‌های بسیج)؛
۳. استشهادی کردن جامعه؛
۴. انعطاف ساختاری و تحرک نظامی (تشکیل نیروهای آموزش دیده، پرتحرک و واکنش سریع)؛
۵. نهادینه کردن اصل فریب و غافل‌گیری در نیروهای خودی؛
۶. تأثیر قدرتمند عامل روانی در جنگ ناهم‌تراز؛

Archive of SID

منابع

۱. ابوالفتح، امیرعلی. (۱۳۸۱). **برآورد استراتژیک آمریکا، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.**
۲. خلیلی، اسدالله. (۱۳۸۱). **روابط ایران و آمریکا: بررسی دیدگاه‌های نخبگان آمریکایی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر**
۳. ساعد، نادر. (۱۳۸۹). **دامنه تغییر در سیاست هسته‌ای آمریکا از تصور تا واقعیت، در سیاست هسته‌ای آمریکا و امنیت ملی ج.ا.ایران، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی.**
۴. شولزینگر، رابرت د. (۱۳۷۹). **دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.**
۵. عبدالله‌خانی، علی و کاردان، عباس. (۱۳۹۰). **رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.**
۶. کیسین، کارل و دیگران. (۱۳۸۱). **جنگ آمریکا در عراق: هزینه‌ها، پیامدها و گزینه‌های موجود، آکادمی علوم و هنرهای آمریکا، کمیته مطالعات امنیت بین‌المللی؛ ترجمه گروه مترجمان، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.**
۷. موسسه تحقیقاتی شرق-غرب. (۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۸). «**ارزیابی مشترک ایالات متحده و روسیه از تهدید بین‌المللی در زمینه توانایی بالقوه هسته‌ای و موشکی ایران**»، سایت بی‌بی‌سی.
۸. واعظی، محمود. (۱۳۸۸). **رویکردهای سیاسی - امنیتی آمریکا در خاورمیانه، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.**
۹. سلامی، علی. (مصاحبه)، **نمایش قدرت در تنگه هرمز، روزنامه جام جم، ۱۲ دی ۱۳۹۰.**
۱۰. فلاحی، علی. (پاییز ۱۳۸۶). «**عوامل شکل‌گیری انقلاب‌های رنگین**»، **فصلنامه علمی - تخصصی عملیات روانی، سال پنجم، شماره ۱۷.**
۱۱. ماهنامه اطلاعات راهبردی. (تیر ۱۳۹۰). **معاونت پژوهش، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی: سال نهم، شماره ۹۸.**